



### اشاره:

سلسله وار بر یکدیگر تأثیر گذاشته است. از مهمترین این حوادث، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود که علیرغم سرکوب شدید و نهایتاً تبعید امام خمینی به خارج کشور، اسباب رشد سیاسی مردم و روحانیت و برملا شدن چهره منافقانه شاه شد و در بطن خود زمینه های سقوط رژیم شاه را گسترش داد. غرب گرایی و مدرنیسم ظاهری شاه که همراه با زندانی کردن و تبعید و کشتار مبارزان، خصوصاً روحانیون پیرو امام خمینی بود سکوتی قبرستانی را بر کشور حاکم کرده بود که در بطن آن، نارضایتی مردم، انفجاری عمیق را شکل می داد. رژیم شاهنشاهی که سرمست پیروزی بود ناگهان با تحرکات مردمی غیرمنتظره ای روبرو شد و به جای اصلاح مفاسد نظام به حرکاتی مذبوحانه دست یازید.

قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ مردم قم که پس از درج مقاله ای علیه امام(ره) و با محتوای توهین به ایشان در روزنامه اطلاعات، صورت گرفت زنگ اخطار جدی برای نظام شاه بود که باز هم آن نظام پوسیده توان درک ماهیت و اهمیت آن را نداشت. پس از آگاهی مردم و روحانیت از محتوای مقاله مزبور، تظاهرات اعتراضی وسیعی در قم صورت گرفت که واکنش نظام شاهنشاهی نسبت به آن، سرکوب و کشتار بود. ولی این بار شرایط با سال ۱۳۴۲ بسیار تفاوت داشت و این قیام با سلسله قیامهای مردمی در شهرستانهای مختلف، مانند قیام ۲۹ بهمن تبریز که در مراسم چهلم شهدای ۱۹ دی قم اتفاق افتاد و در مراسم چهلم شهدای هر شهری در نقاط دیگر کشور

قتل عام مردم تهران در ۱۷ شهریور، در میدان ژاله (شهدا)، یکی از نقاط عطف تاریخ انقلاب اسلامی ایران به شمار می آید. کشتار بیرحمانه مردم در آن روز تجلی واقعی رژیم بود که سعی می کرد با فریبکاری از خود چهره ای صلح دوست، آزادی خواه و مخالف با مفاسد بسازد. واقعه خونین ۱۷ شهریور نقطه پایانی بود بر حیات رژیم ستمکار پهلوی که بیش از چند ماهی پس از آن حادثه دوام نیاورد. در این مقاله برآنیم تا به صورت مختصر، به مقدمات و پیش زمینه های این قیام، چرایی و چگونگی این رخداد از نگاه امام(ره) و بازتابها و نتایج آن بپردازیم.

### مقدمه

سیر جدال حق و باطل و مبارزات صاحبان حق با اصحاب باطل در طول تاریخ بشر، دارای قوس صعود و نزول بیشماری بوده است. بی شک سرکوب هر قیامی توسط سرکوبگران، مقدمه و زمینه ای برای انقلابهای بعدی است. انقلاب ایران نیز همانند سایر انقلابهای، مجموعه ای از حوادث و قیامهای ناتمام بوده است که نه تنها مانع توقف انقلاب نبوده بلکه در روندی رو به جلو، حرکت انقلاب را تسریع و سبب رشد نهضت شده است. ملت ایران که در معرض خیانتها و ستمگریهای زیادی از سوی دشمنان این مرز و بوم بوده است دست به قیامهایی زده است که همواره، به طور





و .... اما این عمل او ملت ایران را فریب نداد و در نظر مردم، شریف امامی یک عنصر فریبکار و مسلمان نما و فاسد بود. (۵۷ سال اسارت، صص ۲۳۹ - ۲۳۷؛ تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، صص ۴۳ - ۳۸)

علیرغم تلاشهای دولت و ساواک برای تعطیلی روز ۱۶ شهریور، مردم بار دیگر در این روز دست به تظاهرات عمومی زدند که این راهپیمایی از قیطره شروع و به میدان آزادی ختم می‌شد و مردم با شعارهای علنی تر به تظاهرات خود ادامه می‌دادند. مردم در تظاهرات این روز، قلب رژیم سلطنتی را نشانه گرفتند و خواهان نظام مطلوب با شعارهای «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بودند. در همان حال مردم برای روز ۱۷ شهریور، ساعت ۸ صبح میدان ژاله قرار ادامه تظاهراتی دیگر را فریاد می‌کردند. (یک سال سرنوشتی رژیم شاه، صص ۳۴۷ - ۳۴۱؛ آن جمعه، صص ۱۲ - ۱۱؛ تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، صص ۴۷ - ۴۵؛ روزها و رویدادها، ج ۲، صص ۹۸ - ۹۷؛ حماسه های ملت به رهبری امام خمینی، صص ۶۵ - ۶۴)

به دنبال این ناآرامیها رژیم شاه تصمیم به سرکوب همه جانبه ملت گرفت. اعلام حکومت نظامی، چاره شاه برای حل این بحران بود که با حمایت کارتر (رئیس جمهور وقت آمریکا) به اجرا درآمد. دو روز قبل از اعلام حکومت نظامی اردشیر زاهدی پیام کارتر را به ایران آورد و شاه طی جلسه‌ای با شریف امامی، اردشیر زاهدی و تیمسار اویسی، در تهران و یازده شهر دیگر اعلام حکومت نظامی نمودند. این تصمیم زمانی ابلاغ شد که مردم اطلاعی از حکومت نظامی نداشتند. صبح ۱۷ شهریور فرا رسید و مردم بیخبر از حکومت نظامی در ساعت ۸ صبح در میدان ژاله تجمع نمودند. تعداد تظاهرکنندگان به حدی بود که خیابانهای اطراف را هم فرا گرفته بود. دیری نپایید که نظامیان از همه‌ی جهات و حتی پشت بامها، اطراف تظاهرکنندگان را محاصره کردند. مردم بی اعتنا به تذکر نظامیان به تظاهرات خود ادامه می‌دادند تا اینکه نظامیان از هر سو مردم بیگناه را به آتش گلوله بستند و دریایی از خون بر روی زمین جاری ساختند. عده زیادی از مردم بی گناه، شهید و مجروح شدند.

بی شک اعلام حکومت نظامی به منظور کشتار و ارباب مردم صورت گرفته بود ولی در این فاجعه، سیاست های شریف امامی مبنی بر دولت آشتی ملی شکست خورد. در حالی که دود گلوله فضا را سیاه کرده بود مردم اجساد شهدا و مجروحین را به بیمارستان ها و درمانگاههای نزدیک می‌رساندند. در این واقعه عاشورایی، صحنه کربلایی دیگر رقم خورد و «کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلاء» تداعی شد. مردم و خبرنگاران خارجی این روز را «جمعه خونین یا جمعه سیاه» نامیدند و میدان ژاله از سوی مردم «میدان شهداء» نام گرفت. در این روز تعداد زیادی از مردم به خاک و خون غلتیدند ولی اعتراضات و تظاهرات ملت، پایان نگرفت بلکه با خلق این

ادامه یافت و با هدایت‌های الهی امام خمینی(ره)، قدرت فوق تصور و روزافزونی پیدا کرد و شاه را در موقعیت غیرمنتظره‌ای قرار داد. در آغاز نهضت اسلامی، شاید اگر شاه درک درستی از موقعیت داشت می توانست سرنوشت بهتری داشته باشد ولی او که به گفته حتی نزدیکانش به غرور و تفرعن مبتلا بود جز زبان سرکوب چیزی نمی دانست.

### چرایی و چگونگی قیام ۱۷ شهریور

ناآرامیهای بیشمار در سال ۱۳۵۶ در ایران به حدی بود که خشم و نگرانی شاه را به شدت برانگیخته بود.

شاه که حوادث و قیامهای مردمی را گذرا می دید، در جزیره ثباتش (ایران) میل به آرامش داشت. این در حالی بود که در اواخر سال ۱۳۵۶، چهلیم شهدای تبریز در یزد و جهرم و چندین شهر دیگر، خواب راحت را از شاه و درباریان سلب کرده بود. شاه که پایه های حکومتش را لرزان می دید برای آرام نمودن مردم علاوه بر سرکوب، دست به تبعید روحانیت زد که این عمل او هیچ نتیجه خوشایندی در بر نداشت. (۵۷ سال اسارت، صص ۲۳۲ - ۲۳۱)

سال ۱۳۵۷ فرا رسید. تابستان سال ۵۷، دوران پرتلهاب و پرجنب و جوشی برای مردم انقلابی ایران به شمار می آمد که سلطنت پهلوی را به گرداب مرگ فرو می کشاند. سال ۵۷، سال پایانی حکومت پهلوی بود و اعتراضات در برابر این رژیم به اوج خود می رسید. اوج این اعتراضات در شهریور همان سال، اتفاق افتاد.

شهریور ۵۷ مصادف با ماه رمضان بود. همین امر سبب شده بود که مجامع و تشکل های مردمی در مساجد، سازماندهی گسترده ای پیدا کند که با هدف حذف رژیم پهلوی و استقرار حکومت اسلامی فعال بودند. اولین جرقه این اقدامات در ۱۳ شهریور که مصادف با عید فطر بود توسط ملت غیور ایران زده شد. تظاهرات ۱۳ شهریور در واقع مبدا پیروزی انقلاب به شمار می آید که در پی آن قیام ۱۶ و ۱۷ شهریور شکل گرفت. در واقع تظاهرات وسیع عید فطر، تیر خلاصی بر پیکره رژیم پهلوی وارد نمود و قدرت اسلام و روحانیت و مردم ایران بیش از پیش نمایان شد. (۵۷ سال اسارت، صص ۲۳۶ - ۲۳۲؛ آن جمعه، صص ۱۰ - ۸)

حادثه ۱۳ شهریور در دوران نخست وزیری جمشید آموزگار بود. شاه برای حل این بحران و سرکوب اعتراضات، عنصر دین را نشانه گرفت و به دنبال شخصی ظاهراً مذهبی و اسلامی می‌گشت تا اینکه یکی از رجال سیاسی نظام شاهنشاهی یعنی جعفر شریف امامی به عنوان یک فرد به ظاهر اسلام نما از مجلس شاه رأی اعتماد گرفت. شاه به دنبال این بود که با تظاهر به مذهب، خشم مردم را فرونشاند. شریف امامی به محض بر روی کار آمدن با طرح دولت آشتی ملی چندین عمل انجام داد که خود را موافق اسلام جلوه دهد. تغییر تاریخ شاهنشاهی به هجری شمسی، برچیدن مراکز فساد و کازینوها



انجام می گرفت- نه تنها قانونی نیست بلکه جرم است و دستور دهنده آن مجرم. شاه برای به رگبار بستن مردم بی دفاع و مظلوم هیچ بهانه ای را بهتر از حکومت نظامی ندید...» (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۵۹)

بعد از این حادثه، حضرت امام(ره) با خطاب قرار دادن علمای بزرگ و سیاسیون به آنها اعلام نمودند که از هیچ قدرتی نهراسند و با اعتماد و روحیه مضاعف به متشکل تر کردن صفوف مبارزات بپردازند. (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۶۱) بی شک روز ۱۷ شهریور، نشان دهنده اراده آهنین و استقامت ملت در برابر شاه جور پیشه بود. امام خمینی(ره) در بخش دیگری از پیام خود می فرماید:

«...روزهای اخیر، تهران و سایر شهرستانهای مهم ایران برای اظهار مظلومیت و مخالفت با مجرمی که ۳۵ سال بر مقدرات آنان سلطه دارد و جنایات و خیانتهای او در کشور و مخالفت های او با قانون اساسی واضح است، شاهد راهپیمایی های آرام بود. اظهار مخالفت با مجرمی که تمام هستی ملت را به باد داده است، از طرف کسانی بود که در حد عالی شعور سیاسی و دینی بودند؛ به طوری که حاضر شدند ارتش را گلباران کنند ولی «دولت آشتی ملی»، آنان را به عنوان شعار بر خلاف قانون اساسی، محکوم نمود؛ و حال آنکه شعار آنان بر ضد قانون اساسی شکن- یعنی شاه- بود. شعار بر ضد رژیم تحمیلی غیر قانونی بود، اظهار مظلومیت بود ولی واقعیت این است که شاه می خواهد انتقام خود را از ملت بی دفاع بگیرد، و با صحنه سازیهای مبتذل، ملت بی دفاع را به مسلسل ببندد و نفسها را به خیال باطل خودش در سینه خفه گرداند ولی دیگر دیر شده است و ملت مظلوم و بیدار ایران آگاه گردیده اند. من هنوز اطلاع دقیقی از کشتگان و مجروحان در سراسر ایران ندارم؛ ولی خبر گزاریهها تعداد کشتگان را به صدها نفر گزارش داده اند و خبرهایی از ایران، این تعداد را بیش از هزار نفر می گویند. اکنون بر ملت شجاع ایران است که به هر ترتیبی که ممکن است به مجروحین بشمار خود، خون، دوا و غذا برساند و از هر گونه کمک مالی دریغ ننماید.....» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۶۵).

### بازتاب قیام ۱۷ شهریور

با قتل عام مردم توسط رژیم پهلوی در جمعه سیاه، این واقعه، سرآمد اخبار و اطلاعات به شمار می آمد به طوری که بازتاب این جنایت بزرگ، جهانی شد و نه تنها مطبوعات داخلی کشور بلکه رسانه های خارجی نیز به این مهم می پرداختند. رسانه های داخلی که تحت کنترل رژیم پهلوی بودند به صورت مختصر و تحریف شده به این حادثه پرداختند. (تاریخ شفاهی قیام هفده شهریور؛ صص ۹۳، ۱۱۴ - ۱۰۹) ولی بازتاب جهانی آن گسترده بود و در داخل کشور نیز

حماسه مردمی، قدرت و سرعت بیشتری یافت. فردای روز ۱۷ شهریور، رژیم پهلوی آمار شهدای آن روز را ۵۸ نفر و تعداد مجروحین را ۲۰۵ تن اعلام نمود در صورتی که این ارقام غیر حقیقی بود و تعداد کشته شدگان و مجروحین بیشتر از این بود. قبح فاجعه کشتار مردم بیگناه به حدی بود که هر کسی گناه این عمل وقیحانه را به گردن کسی دیگری می انداخت.

شاه با کشتار مردم در روز ۱۷ شهریور متصور شد که می تواند عامل توقف انقلاب شود اما این تصور باطلی بیش نبود و مردم ایثارگر از جان گذشته نه تنها عقب نشینی ننمودند بلکه صفوف مبارزاتی خود را مستحکمتر می نمودند. (۵۷ سال اسارت ۲۴۸-۲۴۱؛ روزها و رویدادها، ج ۲، صص ۴۵۱ - ۴۴۷؛ تصمیم شوم جمعه خونین، صص ۹۸ - ۹۷؛ تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، صص ۸۱ - ۴۸؛ گام به گام با انقلاب، ج ۱، صص ۲۵ - ۲۴؛ یکسال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، صص ۳۵۴ - ۳۴۶). در واقع شاه با این حرکت، کمر به قتل خود بست و شاهرگ حیات خود را قطع نمود. ۱۷ شهریور، واکنش علما و مبارزین و تظاهرات و اعتصابات متعددی را در پی داشت که به سرعت طومار نظام شاهنشاهی را درهم پیچید.

### ۱۷ شهریور از دیدگاه امام

امام خمینی حادثه ۱۷ شهریور را در شمار «ایام الله» نامیدند و همواره به ملت ایران توصیه می کردند که یادآور عظمت این واقعه و متذکر جانفشانی های ملت ایران در این روز باشند. «۱۷ شهریور «مِنْ آیام الله» است، باید متذکر باشید. باید یادآوری کنید این «ایام الله» را. چنانچه کردید؛ از یاد نباید بروید این «ایام الله» برای اینکه این ایامند که آدم سازند. این ایام است که جوانهای ما را از عشرتکده ها بیرون می آورد به میدان جنگ می برد. این ایام الهی هست که ملت ما را بیدار می کند، و بیدار کرد. امر می کند: ذَكْرُهُمْ بِآیام الله؛ «ایام الله» را در ذکر مردم وارد کن.» (صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۴۶۶؛ ج ۱۳، ص ۱۸۷).

چنانکه گذشت، حکومت نظامی تنها بهانه شاه برای کشتار مردم به حساب می آمد. مردمی که به آرامی مشغول تظاهرات بودند و صرفاً با شعار، خواسته های خود را بیان می کردند به وسیله شاه و مدعیان دروغین حقوق بشر، با سلاح های جنگی به خاک و خون کشیده شدند. حضرت امام(ره)، حکومت نظامی را جرم و دستور دهنده آن را مجرم تلقی می کند.

«بار دیگر شاه با دستور حکومت نظامی در تهران و سایر شهرستانهای بزرگ ایران، ثابت کرد که پایگاهی در میان ملت ندارد. اعلام حکومت نظامی در محیطی آرام - به اقرار رادیو و مطبوعات ایران که راهپیمایی با کمال آرامش در آن



دارد، بزرگترین آرزوی من است و شاید نزدیک باشد. اما فرج و پیروزی حق بر باطل، از آن نزدیکتر است. و از این پس جا دارد که همه کارهای خود را تعطیل کنیم - نه برای همیشه - که به همین زودی ظالم جبار سرنگون می‌شود. در باز کردن مغازه‌ها و کارخانه‌ها عجله نکنید. در تقویت روحیه و ایمان کسانی که ضعیفند بکوشید که روزی دست خداست. چند روز تعطیل کسب و کار برای رضای خدا کسی را از گرسنگی نمی‌کشد. عزت و ثروت دست خداست. از مرگ نترسید که حیات و ممات به دست خداست. تعطیل را ادامه دهید که فرج نزدیک است...» (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۶۳ - ۴۶۲)

امام خمینی (ره) در پی این حادثه و کشته شدن تعداد زیادی از مردم غیور ایران به دست منافقان و مدعیان حقوق بشر (رژیم پهلوی) اعلام عزای عمومی و ادامه اعتصابات را اعلام نمودند. (همان)

یک هفته بعد از واقعه ۱۷ شهریور ایشان طی پیامی اعلام داشتند:

«اکنون که یک هفته از کشتار فجیع گروه اول مقتولین مظلوم ما می‌گذرد، اکنون که یک هفته تمام است ملت معظم ایران در زیر چکمه دژخیمان و رگبار مسلسل و توپ و تانک دست و پا می‌زند، اکنون که شاه دست از آستین فضای باز سیاسی درآورده و به دروکردن نهال جوانان رشید و شجاع ما پرداخته است، اکنون که با نفسهای آخر، حکومت فاشیستی نفسهای ملت را در سینه خفه کرده، اکنون که گورستانها از قبور شریف فرزندان اسلام و قرآن پر گردیده، اکنون که دژخیمان شاه به عربده و پایکوبی در مرگ عزیزان ما به شادی نشسته‌اند، اکنون شاه می‌خواهد ایران را به ویرانه و قبرستان تبدیل کند. اکنون که عمال از خدا بی‌خبر شاه در مجلس گرد هم جمع شده و با صحنه‌سازیهایی مبتذل و اغفال‌کننده می‌خواهند مجرم اصلی را تبرئه و گناه بزرگ و خیانت عظیم را به دیگران که آلت فعلی بیش نیستند، نسبت داده و خود را مقرب الخاقان قرار دهند، اکنون که تمام خیانتکاران خارج و داخل پشتیبانی از جنایات شاه می‌کنند، اکنون که از چهره‌های آزادی‌خواهی و طرفداری از حقوق بشر پرده برداشته شده، ملت مظلوم و بزرگ ایران باید اعتصاب نموده در عزا بنشینند و رسماً روز پنجشنبه یازدهم شوال را روز عزا قرار دهند.» (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۶۴)

همچنین حضرت امام در آستانه چهل‌م جمع‌ه سیاه، یاری و حمایت انقلابیون و افشاگری بر ضد طاغوتیان را تکلیف و هرگونه بی‌تفاوتی نسبت به این مهم را خلاف تکلیف بر شمردند.

«فردا که روز چهل‌م جمع‌ه سیاه است، من نمی‌دانم چه مصیبتی بر این ملت خواهد وارد آمد. اینها ایستاده‌اند، جان می‌دهند، بچه‌های هفت ساله و هشت ساله شان ایستاده و می‌گویند: مرگ بر این سلطنت پهلوی! و تظاهر می‌کند و کشته می‌شود؛ فردایش هم همان بچه‌های دیگر، باز

مردم از طریق ارتباطات مردمی ابعاد فاجعه را برای همگان روشن کردند.

به دنبال این حادثه، موج اعتراضات و موضع‌گیریها نسبت به این عمل ددمشانه رژیم پهلوی در داخل و خارج ایران به پا خاست. این حادثه سبب شد که احزاب و گروه‌های داخلی و خارجی در یک فضای نسبتاً باز سیاسی، به فعالیت‌های خود ادامه دهند و با انتشار اعلامیه‌ها و تبلیغات، کشتار مردم را مورد نکوهش قرار دهند و رژیم پهلوی را به انحاء گوناگون محکوم سازند. انعکاس عمق فاجعه هفده شهریور به خارج از مرزهای ایران، جذب نیروهای انقلابی و متدینی را در برداشت که دژ مخالفان رژیم را مستحکمتر می‌نمود و همین هواداران انقلابی خارج از ایران، به پرتوافکنی انقلاب ایران در سایر کشورها می‌پرداختند. (همان، صص ۱۵۶ - ۱۴۹)

### واکنش علما در برابر حادثه ۱۷ شهریور

کشتار مردم در روز جمعه، موضع‌گیری علما و روحانیون را در پی داشت. علما و مراجع ضمن اظهار تأسف و تأثر طی صادر نمودن پیام‌ها و اعلامیه‌هایی، این رژیم را غیر قانونی و حرکت وحشیانه آنها را مورد سرزنش قرار داده و در پی اعتراض به این عمل شاه، مردم را دعوت به عزای عمومی می‌نمودند. (تاریخ شفاهی قیام هفده شهریور؛ صص ۱۴۷ - ۱۲۷؛ نهضت روحانیون ایران؛ ج ۷، صص ۳۴۴ - ۳۱۸؛ انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن؛ ص ۲۶۱؛ یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، صص ۳۵۶ - ۳۵۴؛ ۵۷ سال اسارت؛ صص ۴۵۱ - ۴۴۹) حضرت امام (ره) در پیام مربوط به جمع‌ه سیاه، ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خانواده‌های داغدار بر لزوم ادامه مبارزه تأکید نمودند و ندای پیروزی حق علیه باطل را سر دادند. ایشان همه شهدا را همانند فرزند خویش (آیت الله شهید سید مصطفی خمینی) دانستند.

«وقتی شما را ای فرزندان عزیز اسلام، خداوند متعال تسلیت می‌دهد، آیا باز هم محتاج به تسلیتید؟ خداوند - عز و جل - می‌فرماید: «بشارت بده صبرکنندگان را؛ کسانی که هر مصیبتی می‌بینند به حساب خدا تحمل می‌کنند و می‌گویند ما همه برای خدا خلق شده ایم، برای خدا زندگی می‌کنیم، و وقتی بمیریم از بین نمی‌رویم بلکه به سوی خدای مهربان برمی‌گردیم. صلوات و رحمت خدا بر ایشان؛ اینها هستند که به آرزوی انسانی رسیده‌اند. مع ذلک من به نیابت حضرت ولی عصر امام زمان (عج) به همه مسلمانان جهان مصیبت چهارم شوال سال ۹۸ ه. ق (۱۷ شهریور) را خاصه به خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویم، و در عین حال تبریک، و خدا شاهد است مصطفی‌ای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همه به خاک و خون کشیده‌های حادثه شوال، مصطفی‌های من بوده‌اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همه بستگان‌شان تبریک می‌گویم. و چنین کشته شدنی که افتخار





۱۷ شهریور چون آذرخشی سرخ بر تارک انقلاب درخشید و حادثه بزرگی بود که چهره سفاکانه و سیاه رژیم پهلوی را نمایان نمود. مردم ایران برای رسیدن به غایت خویش که برقراری حکومت اسلامی بود از جان خود گذشتند. در این روز رژیم نامشروع پهلوی، با اعلام حکومت نظامی بسیاری از هموطنان بیگناه را به خاک و خون کشید که واکنش شدید ملت و علما را در برداشت و نه تنها مردم به عقب نشستند بلکه تنفر و انزجار آنها از رژیم وقت بیشتر از قبل شد. این حادثه در داخل و خارج کشور انعکاسی وسیع داشت. شدت فاجعه این روز چنان بود که کسی مسئولیت این حادثه را به گردن نمی گرفت. و سرانجام این حادثه بود که کنترل سیاست و حکومت را از دست شاه و نظام شاهنشاهی خارج ساخت و مدتی بعد، شاه مجبور به ترک ایران شد.

#### منابع:

- ۱- یزدی دیزجی، علی، کریمی شرفشاده، علی اصغر؛ صفائی، مجید؛ ابراهیمی، محمدنبی؛ صفایی، وحید، روزها و رویدادها (۲)، تهران، رامین، چاپ اول، ۱۳۷۷.
  - ۲- تصمیم شوم جمعه خونین، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
  - ۳- دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران (ج ۷)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
  - ۴- بشارتی، محمد علی، ۵۷ سال اسارت، تهران، عروج، چاپ اول، ۱۳۹۰.
  - ۵- شاه آبادی، حمیدرضا، آن جمعه، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
  - ۶- خلیلی، اکبر، گام به انقلاب (ج ۱)، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۶۰.
  - ۷- فوزی، ولی الله، حماسه های ملت به رهبری امام خمینی، قم، علمیه.
  - ۸- حسینیان، روح الله، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه بهمن ۵۶ تا بهمن ۵۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
  - ۹- مصباح یزدی، محمد تقی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
  - ۱۰- طحان، محمد، تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
  - ۱۱- خمینی، روح الله، صحیفه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- منبع: حضور، ش ۹۳، ص ۶۱

می گویند. این طور ایران الان قیام کرده است و نهضت کرده است؛ و ما مکلفیم که به اینها کمک بکنیم؛ بی تفاوت نباشیم. می توانیم بگوییم، در جوامع بگوییم، بنویسیم، منتشر کنیم؛ عالم را آگاه کنیم از این مصیبتی که بر سر ملت ما آمده است.» (صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۲۷).

#### نتایج قیام ۱۷ شهریور

رژیم پهلوی در خیال خود با قتل عام مردم در واقعه ۱۷ شهریور تصور می کرد انقلاب اسلامی را از حرکت بازداشته است اما نه تنها چنین نشد بلکه صف مخالفان رژیم مستحکم تر شد. اعمال ددمنشانه رژیم پهلوی در جمعه سیاه، تعداد زیادی کشته و مجروح بر جای گذاشت که عامل تزلزل پایه های رژیم پهلوی به حساب آمد به طوری که عمق فاجعه چنان بود که زمام سیاست و کنترل اوضاع داخلی از دست شاه خارج شد و همان طور که اشاره شد هر مسئولی گناه این واقعه را به گردن کسی دیگر می انداخت. با کشتار مردم نه تنها شاه به آرامش نرسید بلکه جزیره ثبات (ایران) شاه، با ناآرامیهای زیادی روبرو شد و خشم مردم شدت گرفت که حاصل این خشم، اعتصابات مردم بود که به ضرر رژیم پهلوی بود و در این بین سیاستهای دولت آشتی ملی با شکست روبه رو شد و فکر برکناری شاه به میان آمد.

هفته شهریور، تداومی کننده ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود که در این حادثه سفاکی و خونریزی رژیم پهلوی بیش از همیشه نمایان شد و دنیا بیش از پیش به ماهیت انقلابی نهضت ایران پی برد و هویت مردم ایران که در تبلیغات نظام شاهنشاهی مردمی آشوبگر و مخالف اصلاحات به حساب می آمدند؛ به مردمی متدین و انقلابی با شعارهای اصیل و رهبری روحانیتی ریشه دار تغییر یافت.

در ماحصل قیام هفته شهریور همین بس که شاه، پرچم رسوایی خویش را با کشتار مردم بیگناه برافراشت و رشته حکومت از دستش پاره شد و همین امر موجبات ترک ایران را برای او فراهم ساخت. (تاریخ شفاهی قیام هفته شهریور؛ صص ۱۲۴ - ۱۱۵؛ یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه؛ صص ۳۷۸ - ۳۷۶؛ ۵۷ سال اسارت؛ ص ۲۴۲؛ تصمیم شوم جمعه خونین؛ صص ۹۸)

#### نتیجه گیری

سال ۱۳۵۷ دوران انهدام رژیم شاهنشاهی بر اثر نهضت یکپارچه ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) است. تظاهرات ۱۳ و ۱۶ شهریور مقدمه ای برای قیام ۱۷ شهریور شد. بی شک



# ۱۷ شهریور

شما مردم ایران که شاهد عاشورای میدان شهدا، شاهد  
عینی عاشورای ۱۷ شهریور هستید، جا دارد اگر اشک بریزید  
و گریه کنید، این گریه ما بر شهیدانمان به هیچ وجه گریه  
تأسف نیست. این خون های پاک و عزیز، یک ملت را نجات  
داد، یک قدرت عظیم جهانی را به عقب نشاند. اما ما باید  
سنت مرثیه خوانی این عزیزان را زنده کنیم.

مقام معظم رهبری

بهشت زهرا - شهریور ۱۳۵۹